دریچه

بازگشت پول سابق یونان امکان ندارد

محمود فاضلی

■ پاپادیموس، نخست‌وزیر یونان در مصاحبه اختصاصی با شبکه آمریکایی CNBC اعلام داشت: «یونان در حوزه یورو باقی‌مانده و به دراخما (پول سابق یونان) باز نخواهد گشت.» وی تاکید کرد: «دو سال لازم است تا یونان تدابیر سختگیرانه‌تری را به اجرا بگذارد.» وی ضمن اشاره به مذاکرات نمایندگان دولت با بخش خصوصی جهت اجرای برنامه تبادل اوراق قرضه موسوم به PSI اظهار داشت: «مذاکرات در روزهای اخیر پیشرفت خوب و قابل ملاحظه‌ای داشته و طی هفته‌های آتی به توافق خواهیم رسید.» به گفته وی «یونان قادر خواهد بود تا به تعهدات خود برای جلوگیری از ورشکستگی در سررسید ۱۳۰ میلیارد یورو بدهی‌های خود عمل کند و برای تکمیل موفقیت‌ها، اجرای موفق برنامه تبادل اوراق بسیار ضروری است. برای باقی‌ماندن یونان در یورو، واحد پول اروپایی از حمایت احزاب سیاسی و اکثریت مردم برخورداریم. قبل از پیوستن به یورو سال‌ها تلاش‌های زیادی برای بهبود رقابت از طریق نرخ ارز صورت گرفت که البته ناموفق بود و با تورم بالا و رشد کم اقتصادی همراه بود. در شرایط کنونی اقتصاد یونان به تغییرات ساختاری اساسی نیازمند است، خروج از یورو می‌تواند یک راه باشید اما یک انتخاب واقع‌بینانه نیست. ما در هفته‌های اخیر پیشرفت قابل توجهی در رسیدن به توافق با دارندگان اوراق قرضه در یونان دست یافته‌ایم و توافق نهایی بسیار نزدیک است. مردم یونان می‌دانند که سیاست‌ها و اقدامات سال‌های گذشته باید تغییر کند. با وجود تنش‌های اجتماعی موجود در کشور، شخصا خواستار حمایت بین‌المللی در این زمینه هستم. هرچند اجرای بعضی از برنامه‌ها بلندپروازانه است اما فکر می‌کنم پیشرفت در سال‌جاری در مسیر درستی قرار گرفته است. شکی نیست که پیشرفت کلی در تحکیم مالی به مدت زمان طولانی نیاز دارد.»

اظهارات نخست‌وزیر در حالی است که در روزهای اخیر درباره وخامت اوضاع این کشور گزارش‌های متفاوتی انتشار یافته است. بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی در هفته‌های اخیر بر بی‌نتیجه بودن تلاش‌های دولت پاپادیموس برای بهبود شرایط اقتصادی یونان تاکید داشته و مدعی‌اند این کشور در آستانه ورود به وضعیتی غیرقابل کنترل قرار دارد. نخست‌وزیر موقت یونان نیز با ضروری خواندن کاهش دستمزدها و خدمات دولتی هشدار داد در صورت اجرا نشدن برنامه‌های ریاضتی دولت، کشور با «پایانی فاجعه‌آمیز» روبه‌رو خواهد شد. بحران اقتصادی یونان در حالی است که وزیر دارایی آلمان اخیرا اعلام داشته حتی بخشودگی نیمی از بدهی یونان برای بازگشت این کشور به وضعیت عادی، کافی نیست.

بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی هفته‌هاست با مسوولان دولتی یونان برای کاهش بدهی این کشور از ۱۶۰ به ۱۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۲۰ مذاکره می‌کنند. بخشودگی نیمی از بدهی یونان بخش مهمی از توافق این کشور برای دریافت دومین بسته وام کمکی به میزان ۱۳۰ میلیارد یورو است. از سوی دیگر صندوق بین‌المللی پول به شدت از اصلاحات ساختاری کند این کشور به ویژه در مورد جمع‌آوری مالیات و فروش دارایی‌های دولتی انتقاد دارد. حتی نمایندگان صندوق بین‌المللی پول در سفر اخیر خود به یونان خواستار کاهش حداقل حقوق کارمندان بخش خصوصی و لغو حقوق ماه‌های ۱۳ و ۱۴ (دو پاداش سالانه) کارمندان این کشور هستند. بسیاری معتقدند یونان تاکنون با دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا تنها زمان خروج خود را از منطقه یورو به تاخیر انداخته و به نوعی زمان خریده است. در صورتی که این کشور قصد دارد از ورشکستگی اجتناب و به اهداف مورد توافق طلبکارانش عمل کند، باید تدابیر جدیدی به کار گیرد.

اقدامات اصلاحی نخست‌وزیر در حالی است که ۶۲درصد از یونانی‌ها اعلام کردند «پاپادیموس»، نخست‌وزیر این کشور نمی‌تواند راه را برای خروج این کشور از بحران بدهی که ضربه سنگینی به اقتصاد یونان در سال ۲۰۰۹ وارد کرد، هموار کند. همچنین حدود ۴۶ درصد از پرسش‌شوندگان در این نظرسنجی خواستار برگزاری هرچه سریع‌تر انتخابات سراسری پارلمانی زودهنگام و انتخاب حزب برتر و تعیین دولت جدید در کشور هستند. طبق شواهد موجود انتظار می‌رود این انتخابات در ماه آوریل برگزار شود.

یونان به شدت تلاش می‌کند با اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول و دارندگان خصوصی اوراق قرضه این کشور بر سر جزییات طرح نجات اقتصادی قبل از فرارسیدن زمان بازپرداخت اوراق قرضه در ماه مارس (اسفند ۱۳۹۰ - فروردین ۱۳۹۱) سال‌جاری به توافق برسد. اگر تا این زمان توافقی به دست نیاید؛ آتن با خطر ورشکستگی روبه‌رو است. علاوه بر این، مقامات بلندپایه یونان دایما هشدار می‌دهند «استفاده مجدد از دراخما (واحد پول سابق یونان) پیش از تبدیل به یورو، اوضاع را وخیم‌تر و این کشور باید تدابیر ریاضت اقتصادی را با جدیت اجرا کند. نخست‌وزیر یونان همچون دیگر رهبران کشورهای اروپایی در پیام سال نو میلادی خود مشکلات اقتصادی بیشتری را برای سال ۲۰۱۲ پیش‌بینی و در سخنان خود تصریح کرد: سال بسیار سختی که با اقدامات لازم اما دردناکی همراه بود، تمام شد. یک سال سخت دیگر پیش روی ماست اما آتن باید اصلاحات اقتصادی را اجرا و در منطقه یورو بماند.»

منبع: TA NEA

نگرانی جمهوری‌خواهان از مواضع دوگانه میت رامنی

بادها خبر از تغییر فصل می‌دهند

زهرا رحیمی

همسر رامنی نقش پررنگی در تبلیغات انتخاباتی او دارد/ عکس: Getty Images

حزب باد است. باد هر طرف که بوزد همان طرفی است؛ شاید مواضع میت رامنی نامزد جمهوری‌خواه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را این‌طور راحت‌تر بتوان بیان کرد؛ حداقل در مورد مساله‌ای مانند سقط جنین که همواره برای مردم آمریکا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و نقشی مهم در انتخابات این کشور داشته است. به طور سنتی اگر نگاه کنیم، دموکرات‌ها موافق و جمهوری‌خواهان از مخالفان همیشگی سقط جنین بوده‌اند. اما رامنی که این روزها بخت بزرگ جمهوری‌خواهان برای گرفتن قدرت از دموکرات‌ها محسوب می‌شود یک سنت‌شکن واقعی در این زمینه بوده که هرگز بر موضعی خاص پافشاری نکرده است.

وی که اخیرا در مناظرات انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد، همیشه قلبا مخالف سقط جنین بوده، همان کسی است که در رقابت‌های سال ۱۹۹۴ برای کسب مقام سناتوری ایالت ماساچوست تاکید داشت که قلبا حامی سقط جنین است. وی در آن دوره با اشاره به تجربه شخصی که در این زمینه داشت خود را از حامیان سقط جنین دانسته و گفته بود: «من اعتقادات خودم را دارم و این اعتقادات برای من بسیار عزیز هستند. یکی از آنها این است که اعتقادات خود را بر دیگران تحمیل نمی‌کنم. سال‌های بسیار دور من خویشاوندی داشتم که به دلیل سقط جنین غیرقانونی درگذشت. از آن زمان مادرم و خانواده‌ام بر این اعتقاد تاکید داشته‌اند که می‌توانیم به هرچه می‌خواهیم باور داشته باشیم اما نباید این باورها را به دیگران تحمیل کنیم. و شما هرگز شاهد تردید من در این‌باره نخواهید بود.»

اظهارات پیشین رامنی در طول مبارزات مختلف انتخاباتی از انتخابات برای سناتوری و فرمانداری گرفته تا ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۰۸، در حال حاضر به مساله چالش‌برانگیز مبارزات برای کنار زدن باراک اوباما تبدیل شده است. میت رامنی در سال ۲۰۰۲ که در انتخابات فرمانداری شرکت کرده بود، اعلام کرد از حق انتخاب زنان حمایت و حفاظت خواهد کرد اما پس از آن از مخالفت خود با سقط جنین خبر داده و لایحه‌ای را که دسترسی به قرص‌های ضد بارداری را گسترش می‌داد، وتو کرد. حال بسیاری از عدم اعتماد به وی خبر می‌دهند و می‌پرسند چطور می‌توانند اطمینان داشته باشند که در آینده شاهد تغییر مواضع وی نباشند. رامنی در پاسخ به این سوال می‌گوید: «مساله‌ای که در موردش تغییر عقیده دادم و توجهات بسیاری را به خود جلب کرد، مربوط به زمانی می‌شود که در انتخابات فرمانداری شرکت کردم و گفتم که قانون مربوط به سقط جنین را تصویب نمی‌کنم و گمان می‌کردم می‌توانم در راه باریک میان عقاید شخصی‌ام و دور نگه داشتن دولت از این موضوع حرکت کنم.»

تجزیه و تحلیل این اظهارات چندان ساده نیست، اما به نظر می‌رسد رامنی میان آنچه مخالفت شخصی با حق سقط جنین به شمار می‌رود و نقش وی به‌عنوان یک قانون‌گذار تمایز قایل است که از «دور نگه داشتن دولت از مساله سقط جنین» سخن می‌گوید. نامزد جمهوری‌خواه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا این روزها نام الاکلنگ به خود گرفته و زمانی که بحث به سقط جنین می‌رسد، وی به راحتی از تغییر موضع خود سخن می‌گوید. همین امر باعث شده مردم این سوال را مطرح کنند که آیا رامنی هیچ‌گاه حامی حق سقط جنین بوده یا خیر. بسیاری معتقدند در آن دوره رامنی همان حرف‌هایی را زد که مردم ماساچوست می‌خواستند بشنوند. وی در مناظرات اخیر خود به وضوح از مخالفت با سقط جنین خبر داده و آن را غیرقانونی دانسته تا این‌بار موج دیگری از آرای مردمی را به دست آورد. در مناظرات سال ۲۰۰۷ که در نهایت با شکست رامنی در برابر جان مک کین به پایان رسید و رامنی از میدان رقابت با نامزدهای جمهوری‌خواه انتخابات ریاست‌جمهوری حذف شد، فرماندار سابق ماساچوست در پاسخ به این سوال که آیا لایحه ممنوعیت هرگونه سقط جنین را امضا می‌کند، پاسخ داده بود: «خوشحال می‌شوم که این لایحه را امضا کنم.»

در طول تمام سال‌هایی که احزاب آمریکایی فعالیت داشته‌اند، جمهوری‌خواهان از همان ابتدا همواره افرادی مذهبی و اشراف‌زاده بوده‌اند که از کاهش مالیات حمایت کرده و مخالف سقط جنین بوده‌اند. این افراد در چهل و چهار انتخاباتی که در آمریکا برگزار شده در مقابل دموکرات‌هایی صف کشیده‌اند که افرادی روشنفکر و طرفدار سیاه پوستان بوده و بر افزایش مالیات و برخورداری از حق سقط جنین تاکید داشته‌اند.

با توجه به چنین مواضع مشخصی که اساس رویکرد نامزدهای جمهوری‌خواه و دموکرات را تشکیل می‌دهند، نیویورک‌تایمز در مقاله‌ای سوال مهمی را مطرح می‌کند: چه اتفاقی می‌افتد اگر رامنی بار دیگر تغییر موضع دهد؟ بسیاری از محافظه‌کاران هیچ اطمینانی ندارند که رامنی پس از رسیدن به پست ریاست‌جمهوری همچنان یک محافظه‌کار بماند. اگر پس از انتخابات گمان کند که وظیفه مدنی‌اش، کاهش کسری بودجه از طریق افزایش مالیات است، چه اتفاقی می‌افتد؟

با این حال با نگاهی به نتایج تمام تلاش‌های رامنی از تغییر مواضع گرفته تا انتقاد شدید از باراک اوباما، رییس‌جمهور وقت آمریکا و «شکست خورده» خواندن دوره ریاست‌جمهوری وی، رامنی توانسته در دو انتخابات درون‌حزبی دو ایالت آیووا و نیوهمپشایر پیشتاز باشد.

از آنجا که اوباما برای دومین دور نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شده، برخلاف سال ۲۰۰۸ انتخابات درون‌حزبی تنها در جبهه جمهوری‌خواهان انجام می‌شود. در انتخابات درون‌حزبی، نامزدهای جمهوری‌خواه با حضور در ایالت‌های مختلف با برگزاری سخنرانی‌ها و شرکت در مناظرات تلویزیونی، رقبای خود را به چالش می‌کشند و هدف آنها کسب آرای لازم برای حضور در انتخابات نوامبر آینده به‌عنوان نامزد اصلی جمهوری‌خواهان و رقیب اوباما است. قطار جمهوری‌خواهان از روز سوم ژانویه با انتخابات درون‌حزبی در آیووا حرکت خود را آغاز کرد و با گذر از ایالات نیوهمپشایر و کارولینای جنوبی طی چند روز آینده در فلوریدا توقفی کوتاه خواهد داشت تا پس از آن با گذر از دیگر ایالات مهم انتخاباتی در ششم نوامبر مصادف با روز انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور در ایستگاه آخر متوقف شود.

میت رامنی که به همراه یان هانتسمن، ریک سانتوروم، ریک پری، نیوت گینگریچ، میشل باکمن و ران پل در ایستگاه نخست سوار بر قطار رقابت‌های جمهوری‌خواهان بود، توانست در ایالات آیووا با اختلاف هشت رای ریک سانتوروم را پشت سر گذاشته و پیروز انتخابات درون‌حزبی باشد و با تکیه بر مواضع جدید خود در مورد سقط‌جنین، مردم مذهبی‌تر ایالت نیوهمپشایر را راضی به همراهی کند تا جایی که در این ایالت اختلاف خود با نفر دوم را افزایش داده و با گرفتن ۳۹ درصد آرا، جایگاه نخست را از آن خود کرد. ناگفته نماند که تاکنون سه نفر از این کاندیداها از جمله هانتسمن، پری و باکمن از رقابت‌ها کناره گرفته‌اند.

در ایستگاه سوم یعنی ایالت کارولینای جنوبی بود که رقیب اصلی وی نیوت گینگریچ، رییس سابق مجلس نمایندگان آمریکا با تاکید بر مواضع دوگانه رامنی توانست پیروز این ایالت باشد. وی تاکنون تبلیغات منفی بسیاری علیه رامنی داشته اما در نوار تبلیغاتی کوتاهی با نام «تغییر کرده» که پیش از رقابت در کارولینای جنوبی منتشر کرد، تمام تلاش خود برای بیان تضاد میان خود و رامنی را به کار گرفته و با اشاره به طرفداری فرماندار سابق ماساچوست از سقط جنین در سال‌های گذشته، این نوار کوتاه را با جمله «وی قابل اعتماد نیست» پایان داد. وی با تکیه بر بحث مذهب نیز رای‌دهندگان دیگری را به خود جذب کرد تا به فاتح کارولینای جنوبی تبدیل شود.

مذهب را باید از دغدغه‌های اصلی رامنی در انتخابات فلوریدا دانست که می‌تواند با وجود تغییر مواضع وی در جهت جلب رضایت رای‌دهندگان، باعث سقوط وی شود. رامنی که پیشتاز رقابت در کارولینای جنوبی محسوب می‌شد در واژگونی خیره‌کننده‌ای، از گینگریچ شکست خورد

بر اساس نظرسنجی‌های سی‌ان‌ان در کارولینای جنوبی، تعداد حامیان گینگریچ به‌عنوان کاتولیکی که سه بار ازدواج کرده در میان اوانجلیست‌ها (پروتستان‌های راست‌گرای افراطی) دو برابر میت رامنی که یک پروتستان است، بود. این در حالی است که میزان رای مردم در ایالتی که مذهب از اهمیت ویژه‌ای برایشان برخوردار است برای گینگریچ ۴۶ درصد و برای رامنی تنها ۱۰ درصد بود.

کارولینای جنوبی دومین ایالت با تعداد بالای اوانجلیست‌ها محسوب می‌شود که طعم شکست را به رامنی چشاند. با توجه به اینکه فلوریدا به‌عنوان سومین ایالت، ایستگاه بعدی رقابت‌های جمهوری‌خواهان خواهد بود، باید اشاره‌ای به اهمیت مذهب در انتخابات آمریکا داشت که کفه ترازو را به سمت گینگریچ سنگین‌تر کرده است.

جدایی دین از سیاست در اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا مطرح شد و مدت زمان طولانی است که به‌عنوان یک اصل پیروی می‌شود. توماس جفرسون، سومین رییس‌جمهور آمریکا و نویسنده اصلی اعلامیه استقلال این کشور در این باب از ایجاد «دیواری میان دین و سیاست» یاد کرده است. اگر مسایل مطرح شده در قانون اساسی را هم کنار بگذاریم، مذهب در آمریکا در مقایسه با اکثر کشورهای اروپایی که دیگر یک نیروی قوی سیاسی نیست، تاثیری چشمگیر بر سیاست‌های معاصر آمریکایی دارد. بیش از ۷۸ درصد از جمعیت آمریکا مسیحی هستند و در طول تاریخ ۲۵۰ ساله این کشور، چهل‌وچهار رییس‌جمهور از جمله باراک اوباما، همگی مسیحیانی از فرقه‌های مختلف بوده‌اند؛ گرچه برخی از نامی‌ترین روسای جمهوری آمریکا- توماس جفرسون، آبراهام لینکلن و ویلیام تافت- در دوران خود به عدم رعایت مسایل مذهبی متهم شدند. به دلیل همین یکپارچگی، وابستگی‌های مذهبی روسای جمهوری آمریکا به ندرت بحث‌برانگیز بوده است.

نخستین باری که مذهب به مساله انتخاباتی تبدیل شد، طی نامزدی جان کندی در سال ۱۹۶۰ بود؛ وی وابسته به کلیسای کاتولیک روم بود. با این حال کندی با تعهد به اینکه عقاید مذهبی‌اش تاثیری بر تصمیمات وی به‌عنوان رییس‌جمهور نخواهد داشت، توانست این مانع را از سر راه بردارد. مذهب به‌عنوان عاملی اصلی در انتخابات، چهار سال پیش نیز بار دیگر مطرح شد؛ زمانی‌که برخی مخالفان جمهوری‌خواه اوباما وی را مسلمانی خواندند که با پنهان کردن دین خود قصد ورود به کاخ سفید را دارد. اما این ادعا خیلی زود نقض شد و مردم آمریکا دریافتند با وجود آنکه پدر باراک یک مسلمان اهل کنیاست، وی به دین مادر خود درآمده و به‌عنوان یک مسیحی رشد یافته است.

حال پس از گذشت چهار سال نمایندگان جمهوری‌خواه نیز در رقابت‌های درون‌حزبی خود مساله مهم مذهب را از نظر دور نداشته‌اند. در واقع طی دهه‌های اخیر، نفوذ احزاب مذهبی محافظه‌کار فوق‌العاده افزایش یافته، درست مانند بسیاری از کشورهای جهان از جمله پاکستان و مصر. مذهب نقش مهمی را در انتخابات آمریکا ایفا می‌کند، به خصوص در رقابت میان نامزدهای جمهوری‌خواه. حزب جمهوری‌خواه آمریکا طی سال‌های اخیر به شکل روز افزونی محافظه‌کارتر شده و به همین دلیل حمایت اکثر رای‌دهندگان ثروتمند، سفید پوست و مذهبی را جلب کرده است.

همانطور که اشاره شد در رقابت‌های درون‌حزبی، جمهوری‌خواهان با آگاهی از نفوذ مسیحیان پروتستان اوانجلیست تمام تلاش خود را برای ابراز اعتبار مذهبی و محافظه‌کاری خود به‌کار گرفته‌اند. آنها از عشق بی‌نهایت خود به اسراییل خبر داده و با مسایلی مانند سقط جنین و همجنس‌گرایی به شدت مخالفت می‌کنند. در مبارزات اخیر جمهوری‌خواهان، میت رامنی در دو ایالت پیشتاز بود و در نظرسنجی‌ها نیز پیروز ایالت سوم خوانده می‌شد اما در این ایالت با مانع جدی روبه‌رو شد. وی متعلق به کلیسای مورمون است؛ مورمون‌ها در حالی خود را مسیحی می‌دانند که برخی دیگر به خصوص اوانجلیست‌ها چنین اعتقادی ندارند. مورمون بودن رامنی توانسته از میزان محبوبیت وی بکاهد.

رامنی که پیشتاز رقابت در کارولینای جنوبی محسوب می‌شد، در واژگونی خیره‌کننده‌ای، از گینگریچ شکست خورد. گینگریچی که نزدیک به دو سال پیش مذهب خود را به کاتولیک رومی تغییر داد، تاکنون سه بار ازدواج کرده و داستان زندگی زناشویی وی به تیتر اخبار کشورش تبدیل شده است. با این حال بسیاری از رای‌دهندگان محافظه‌کار مذهبی در کارولینای جنوبی وی را به رامنی مورمون ترجیح دادند. به همین دلیل است که مذهب را باید از دغدغه‌های اصلی رامنی در انتخابات فلوریدا دانست که می‌تواند به‌رغم تغییر مواضع وی در جهت جلب رضایت رای‌دهندگان، باعث سقوط وی شود.

نیم‌نگاه

هنر اعتراض

■ سال ۲۰۱۱ از نظر تجلی اراده مردم نقطه عطفی را در تاریخ معاصر رقم زد. مردم بار دیگر توان خود را برای به‌زیر کشیدن نیروهای استبداد باور کردند. نمایشگاهی در فرانکفورت بازتاب هنرمندانه اعتراضات گروهی را به تماشا گذاشته است. چند دهه بود که در جهان از شور و جنبش انقلابی خبری نبود. پژوهشگران اجتماعی و کنشگران سیاسی از ذهنیت غیرسیاسی جوانان شکوه می‌کردند. اما سال ۲۰۱۱ بر این نظر خط بطلان کشید. جوانان به قدرت و توان صدای خود پی بردند، اگر که این «صدا» به صورت «جمعی» و متحد ادا شود. در شماری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا جنبش «بهار عربی» به پا خاست. در آمریکا جنبش «اشغال» شروع شد و جرقه آن به اروپا رسید. در یونان، اسپانیا، روسیه و ایتالیا جوانان بار دیگر به خیابان می‌آیند و خروش برمی‌دارند. جوانان نشان دادند که هنوز برای مبارزه، پیکار سیاسی، تظاهرات و گردهمایی آماده هستند. نمایشگاه بزرگی در فرانکفورت به‌عنوان «تظاهرات» بر فرارسیدن دورانی تازه در رشد و آگاهی سیاسی گواهی می‌دهد. نمایشگاه با مدارک نوشتاری و تصویری بی‌شمار نشان می‌دهد تجمع و تظاهر نیرویی است که می‌تواند قدرت‌ها را بلرزاند و سردمداران را به زیر کشد. اکسیون‌های خیابانی «زیبایی‌شناسی» خود را دارند. آنها از سویی بیان هنری را برای گسترش ایده‌های خود به کار می‌گیرند و از سوی دیگر دستمایه‌ای هستند برای هنرمندان تا به آفرینش خود رنگ سیاسی بزنند. نمایشگاهی که در فرانکفورت برگزار شده، هر دو جنبه را پیش چشم می‌کشد. طرح‌ها، پلاکاردها، بروشورهایی که شور و شوق دگرگونی را به میان مردم برده‌اند و در برابر نقش‌ها، طرح‌ها، عکس‌ها و پیکره‌هایی که این فعالیت‌ها را در آثار هنری بازتاب داده‌اند. در نمایشگاه نمونه‌هایی برجسته از «هنر اعتراض» به تماشا گذاشته شده است. از سنگربندی‌های انقلاب آزادیخواهانه سال ۱۸۴۸ و قیام دانشجویی سال ۱۹۶۸ تا اعتراضات خیابانی که به منظره‌ای عادی و روزمره در جهان رسانه‌های جمعی تبدیل شده است. نمایشگاه فرم‌های رنگارنگ اعتراض جمعی را نشان می‌دهد: از حرکات عظیم و پرخاشگرانه که معمولا به برخورد و درگیری می‌کشد، تا همایش‌های ملایم و رقص‌گون و در همه حال زیبا و دلگرم‌کننده. شوق با هم بودن و در راه چیزی دلخواه، هدفی یا نیازی مشترک، مبارزه کردن. در سراسر جهان هنرمندان بی‌شماری هم به‌عنوان شهروند در اجتماعات شرکت می‌کنند و هم به تاثرات و الهامات خود شکل هنری می‌دهند. در نمایشگاهی که توسط «کانون هنر فرانکفورت» برگزار شده، کارهای ۴۰ هنرمند بین‌المللی عرضه شده است.

منبع: خبرگزاری آلمان